

## عادل شمرده شده فقط بوسیله‌ی ایمان

درس ۷: نامه‌ی پولس به رومیان

دکتر آر. سی. اسپرول

ما به آموزه‌ی عادل شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمان پرداختیم و از دیدگاه تاریخی و دیدگاه آموزه‌ی الهیاتی بهش پرداختیم. ما درک می‌کنیم که آموزه‌ی ابداعی کلیسا، باید برگرفته از منبع کتاب مقدس باشه، و البته، آموزه‌ی عادل شمردگی بوسیله‌ی ایمان، آموزه‌ای هست که پولس رسول مکرراً در رسالاتش توضیح میده، اما برخورد جامعه‌ش با این آموزه، در شاهکار و اثر الهیاتی او در رومیان. پس می‌خوایم امروز زمانی رو به بررسی بعضی از قسمت‌های برجسته‌تری اختصاص بدیم که پولس در رساله‌اش به ما میده.

در همون باب اول رومیان، او به بسط ایده‌ی داوری جهانی خدا بر بشریت سقوط کرده می‌پردازه که مکاشفه‌ی الهی رو که خدا درباره‌ی خودش میده، ابراز می‌کنه، پرورش میده و بعد توضیح میده که چطور تأثیرات گناه، همه‌ی مردم رو به طور عالمگیر در برگرفته، هم یهود و هم یونانی. و او کل دنیا رو در برابر محکمه‌ی عدالت خدا میذاره، با این نتیجه‌گیری که "زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصر می‌باشند"، و ما بهانه‌ای نداریم.

اما وقتی که داره در مورد طبیعت گناهکار انسان توضیح میده، به عهدعتیق، به مزامیر متوسل میشه که اینطور شروع میشه: "کسی عادل نیست، یکی هم نی. کسی فهیم نیست" و شما با این آیات آشنااید و وقتی به پایان این نقل قول میرسه، در آیه‌ی ۱۹ از باب ۳ اینطور میگه: "الان آگاه هستیم که آنچه شریعت می‌گوید، به اهل شریعت خطاب می‌کند تا هر دهانی بسته شود و تمام عالم زیر قصاص خدا آیند."

پس او ما رو در برابر تخت داوری خدا میذاره و از استعاره‌ی دهان بسته شده استفاده می‌کنه. البته مفهومش اینه که وقتی ما در برابر تخت داوری خدا آورده میشیم و در برابر قدوسیتش قرار می‌گیریم، تمایل طبیعی انسان اینه که هر بهانه‌ی قابل درکی رو برای ناطاعتی ارائه کنه.

اما وقتی در مقابل خدا قرار می‌گیریم، برای همه‌ی کسانی که اونجا ایستادند، خیلی واضح میشه که کاملاً بیپوده هست که بهانه بیاریم یا تلاش کنیم ناطاعتی از خدا رو توجیه کنیم. بلکه در برابر تخت داوری ساکت میشیم، هیچ کلمه‌ای رو نمیشه نزد خدا بیان کرد، چون عدالت و داوری او خیلی آشکاره.

اما بعد، پولس در ادامه میگه: "از آنجا که به اعمال شریعت هیچ بشری در حضور او عادل شمرده نخواهد شد، چونکه از شریعت دانستن گناه است." و حالا این جمله مختصر در اینجا، برای درک آموزه‌ی عادل شمردگی خیلی مهمه و این اعلان خاصی هست که این رسول میگه و موضوع مناظرات و بررسی‌های زیادی در تاریخ الهیات بوده. او با این کلام شروع می‌کنه: "به اعمال شریعت هیچ بشری در حضور او عادل شمرده نخواهد شد."

حالا سؤال اول اینه که او در اشاره به "اعمال شریعت"، به چی اشاره می‌کنه؟ بعضی می‌گن این یک آیه محدود کننده هست که فقط به الزامات و مراسم شریعت عهدعتیق اشاره می‌کنه و اینجا این رسول می‌گه هیچ کس با انجام همه‌ی اعمالی که خدا به ما فرمان میده، همونطور که به یهودیان فرمان داد، با انجام نظام قربانی‌ها و همه‌ی مراسمی که با خیمه و بعداً با معبد همراه بود، عادل شمرده نمیشه. به عبارت دیگه، او می‌گه هیچ کس با پیروی از مراسمی که شریعت فرمان میده، عادل نمیشه.

و دوباره، این کاربرد بسیار محدود کننده‌ی این متنه. اما اکثر مفسران می‌گن: "نه، پولس صرفاً این رو به اجرای مراسم محدود نمی‌کنه، بلکه به همه‌ی چیزهایی محدود می‌کنه که شریعت فرمان میده، از جمله همه‌ی الزامات اخلاقی که شریعت خدا بر مخلوقاتش تکلیف می‌کنه،" پس او می‌گه با اطاعت از شریعت خدا، هم از لحاظ تشریفات و مراسم مذهبی و همچنین اخلاقی، با رعایت اینها، هیچ کس هرگز عادل شمرده نمیشه. پس از این لحاظ، هر نوع عمل نیکویی رو که می‌تونیم در نظر بگیریم، از اساس عادل شمردگی کنار گذاشته میشه.

عده‌ای دیگه این آیه رو محدود کرده و می‌گن اعمال اطاعتی که قبل از تولد تازه انجام شده، به عادل شمردگی چیزی اضافه نخواهد کرد، اما بعد می‌گن، اما کاری که بعد از تولد تازه می‌کنیم، اساس و پایه‌ی عادل شمردگی ما میشه. پس دوباره، اینجا، اعمال به عنوان اساس عادل شمردگی در نظر گرفته شدند.

و دوباره، این بخشی از مباحثه بین روم و پروتستانه، چون دیدگاه پروتستان، اینطور در نظر می‌گیره که هیچ عملی در هیچ زمانی، اساس عادل شمردگی ما نیست. حتی اعمالی که بعد از ایمان آوردن ما انجام شده یا اعمالی که بعد از دریافت فیض انجام شده، اعمالی که شاید چیزی به پاداش ما در آسمان اضافه کنند، هرگز بخشی از پایه‌ی عادل شمردگی ما نیستند. اجازه بدید فقط این رو بگم، دوباره وقتی او درباره‌ی عادل شمردگی صحبت می‌کنه، صرفاً درباره‌ی عمل آمرزش الهی صحبت نمی‌کنه.

فرقی بین آمرزش و عادل شمرده شدن هست. کسی که آمرزیده شده، قبلاً گناهکار اعلام شده و محکوم شده که گناهکاره. و بعد از این که محکوم به گناه شد، حاکم یا رئیس جمهور می‌تونه امتیاز اجرایی عفو رو اجرا کنه و این افراد رو ببخشه، یعنی اونها رو از مجازات مربوط به تقصیرشون عفو کنه. اما عادل شمردگی، آمرزش ساده نیست.

حالا بخشی از عادل شمردگی شامل بخشش گناهانه، اما ماهیت عادل شمردگی اینه که یک نفر رو عادل اعلام کنید. پس از یک لحاظ، نباید کسی رو که عادل اعلام شده، ببخشید. کسانی که عادلند، نیازی به بخشش ندارند، پس نکته‌ی عادل شمردگی، فراتر از بخشش گناهان ما در صلیب و بقیه‌ی چیزهاست و تا این پیش میره که خدا اعلام می‌کنه که ما که در مسیح هستیم و ایمان داریم، نزد او عادل محسوب میشیم.

برای همین گفتیم انتساب عدالت شخص دیگه، عدالت عیسی، برای درک عمل عادل شمردگی، خیلی اساسی و ضروریه. وقتی خدا عدالت مسیح رو به ما نسبت میده، ما رو عادل اعلام می‌کنه. پس پولس در ادامه، در آیه‌ی ۲۱

میگه: "لکن الحال بدون شریعت، عدالت خدا ظاهر شده است، چنانکه تورات و انبیا بر آن شهادت می‌دهند؛ یعنی عدالت خدا که بوسیله ایمان به عیسی مسیح است، به همه و کل آنانی که ایمان آورند."

حالا دوباره، درباره‌ی عدالت خدا صحبت می‌کنیم، نه عدالتی که او به خاطرش عادلانه، بلکه عدالتی که او به کسانی میدهد که عدالت ندارند، "یعنی عدالت خدا که بوسیله‌ی ایمان به عیسی مسیح است، به همه و کل آنانی که ایمان آورند." و بعداً در این بخش میگه: "زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصر می‌باشند، و به فیض او مجاناً عادل شمرده می‌شوند به وساطت آن فدیهای که در عیسی مسیح است. که خدا او را از قبل معین کرد تا کفاره باشد به واسطه‌ی ایمان به وسیله‌ی خون او تا آنکه عدالت خود را ظاهر سازد، به سبب فرو گذاشتن خطایای سابق در حین تحمل خدا، برای اظهار عدالت خود در زمان حاضر، تا او عادل شود و عادل شمارد هر کسی را که به عیسی ایمان آورد."

من قبلاً بارها گفتم شعار "عادل شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمان" فقط به معنای اینه که "عادل شمردگی فقط بوسیله‌ی مسیحه". این با عمل کامل اوست. و وقتی به عمل مسیح نگاه می‌کنیم که پایه و اساس یا علت شایسته‌ی عادل شمردگی ماست، بین اطاعت منفعلانه و اطاعت فعالانه او تفاوت قائل میشیم.

اطاعت منفعلانه به این اشاره می‌کنه که او مشتاقانه خودش رو در اطاعت، وقف کاری کرد که پدرش به او داده بود تا برای گناهان ما بمیره. او موافقت می‌کنه و اجازه میدهد برای ما قربانی بشه و در این عمل فدی که پولس اینجا بهش اشاره می‌کنه، دو کار انجام شده، کفاره و جبران.

گاهی اوقات مردم به سختی فرق بین کفاره و جبران رو به یاد میارند. من دوست دارم از استعاره‌ی صلیب استفاده کنم، چون صلیب در ساختار و ترکیبش، یک تیرک عمودی داره که بعد یک تیرک افقی رو حمل می‌کنه و این شکل صلیب رو به ما میدهد. و من مایلیم اینطوری بهش نگاه کنم، در صلیب ما عمل عمودی رو می‌بینیم که اتفاق میفته. این کفاره هست. وقتی پسر، مسیح، گناهان قومش رو متحمل میشه، خواسته‌ی عدالت خدا رو اجرا می‌کنه، اونها رو کفاره می‌کنه. بها رو براشون پرداخت می‌کنه.

خواسته‌ی شریعت خدا رو با اعطای این قربانی کامل اجرا می‌کنه. این ذات و ماهیت اطاعت فعالانه اوست. اما همزمان، وقتی این کفاره رو انجام میدهد، عمل جبران رو هم انجام میدهد. کلمه‌ی "جبران" با پیشوند "اکس" شروع میشه که یعنی "راهی از، یا راهی از میان"، و جبران به این اشاره می‌کنه که عیسی نه تنها با جبران، بهای گناهان ما رو پرداخت، بلکه گناهان ما رو تا جایی که مشرق از مغرب دوره، از ما دور کرد. جبران، به این اشاره می‌کنه.

الگوی همه‌ی اینها در نظام قربانی عهدعتیق بود. در روز کفاره، خون حیوان بر تخت رحمت تابوت عهد ریخته میشد و این یک پوشش بود، یک نوع آشتی برای اجرای عدالت خدا. اما یادتونه، حیوان دوم، بز عزازیل بود که کاهن دستش رو بر پشت بز میگذاشت و بعد بز به بیابان فرستاده میشد.

حالا ایده‌ی این نمایش، این بود که دست گذاشتن، به طور نمادین، گذاشتن گناه قوم یا انتساب گناه قوم روی بز عزازیل بود. و بعد بز عزازیل به همین دلیل به بیابان فرستاده میشد. بیابان خارج از اردوگاهه. مکان تاریکی بیرونه. مکانی که فراتر از محدوده‌ی حضور فدییه دهنده‌ی خداست که با حضورش در میان قومش همراهه.

پس همونطور که در عهدجدید، مسیح خارج از شهر اورشلیم گشته شد، به غیریهودیان سپرده شد و تصویر بز عزازیل رو که گناهان قوم بر او قرار می‌گرفت، به تحقق رسوند و از یک لحاظ، در صلیب، با واگذاشته شدن و ملعون شدن بر روی صلیب، به تاریکی بیرون به خارج از اردوگاه فرستاده شد، مثل بز عزازیل در عهدعتیق.

پس این عمل منفعلانه مسیح که در کفار و جبران او یافت میشه، که او قربانی هست. اما بعد اطاعت فعالانه مسیح رو داریم. این برای تعلیم پولس درباره‌ی عادل شمردگی در اینجا، کاملاً ضروریه. اطاعت فعالانه مسیح به حیات کامل او تحت شریعت اشاره می‌کنه جایی که آدم قدیمی در ناطاعتی سقوط کرد و با ناطاعتی او، ما متحمل ویرانی شدیم.

با اطاعت آدم جدید، حالا عدالتی رو دریافت کردیم که واقعیه. این در حیات او به انجام رسید. می‌بینید، اگه عیسی فقط باید بهای گناهان ما رو می‌پرداخت، می‌تونست در روز جمعه‌ی نیک از آسمان پایین بیاد و مستقیم روی صلیب بره و فقط همین. اما چیزی فراتر از این بود. او باید در اطاعت کامل زندگی می‌کرد که حالا شایستگی او بتونه به ما منتقل بشه. پس در این مورد، او فعالانه خودش رو تسلیم شریعت خدا کرد، خورد و خوراک او، برای انجام اراده‌ی پدر بود، پس او بدون گناه زندگی کرد.

پس در عادل شمردگی ما، این عدالت اوست. گناه ما روی صلیب به او منتقل شد. عدالت او بوسیله‌ی ایمان، به ما منتقل شد و پولس در ادامه می‌گه عمل رستاخیز نشون میده که این خدا رو راضی کرد. این رسول به ما گفته او برای عادل شمردگی ما برخاست، یعنی قربانی او در اطاعت منفعلانه‌اش و شایستگی‌ای که در اطاعت فعالانه‌اش بدست آورد، پدر رو راضی کرد، پس پدر او رو از مردگان برخیزانید تا نشون بده این عمل فدییه واقعاً مشکل رو حل کرد و ما رو آشتی داد.

حالا دوباره مردم میگن: "چرا باید از همه‌ی این چیزها عبور کنیم؟" چرا خدا نمی‌تونست فقط رحمت و فیض رو بکار ببره و گناهکاران رو ببخشه؟ و چرا باید پسرش رو اعدام می‌کرد و همه‌ی این کارها رو می‌کرد؟" حالا بعضی این رو "آزار فرزند الهی" می‌نامند و همه‌ی این چیزها. چون خدا که عادله، هرگز عدالتش رو به مذاکره نخواهد گذاشت.

او عدالتش رو به مذاکره نمیذاره تا عادل شمردگی شما رو تضمین کنه. و پولس اینجا در باب ۳ می‌گه: "زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصر می‌باشند، و به فیض او مجاناً عادل شمرده می‌شوند به وساطت آن فدییه‌ای که در عیسی مسیح است. که خدا او را از قبل معین کرد تا کفار به واسطه‌ی ایمان به وسیله‌ی خون او تا آنکه

عدالت خود را ظاهر سازد، به سبب فرو گذاشتن خطایای سابق در حین تحمل خدا، " و الی آخر، و او می‌خواهد نشون بده " برای اظهار عدالت خود در زمان حاضر، تا او عادل شود و عادل شمارد هر کسی را که به عیسی ایمان آورد."

پس دوباره اینجا خدا با نجات ما به این شکل، عدالت خودش رو حفظ می‌کنه. پارسایی خودش رو حفظ می‌کنه. در مورد عدالتش سازش نمی‌کنه، اما این عدالت رو بر کس دیگه‌ای تحمیل می‌کنه، بوسیله‌ی انتساب گناه ما به او و عدالت او به ما. او عدالتش رو حفظ می‌کنه و ما که عادل نبودیم حالا عادل شمرده شدیم.

و بعد در ادامه می‌گه: "پس جای فخر کجا است؟ برداشته شده است!" این برداشته شده. جایی برای فخر نیست. "به شریعت اعمال؟ نی بلکه به شریعت ایمان. زیرا یقین می‌دانیم"، به این نتیجه‌گیری گوش کنید، "که انسان بدون اعمال شریعت، محض ایمان عادل شمرده می‌شود."

و بعد در ادامه در باب ۴ می‌گه: "پس چه چیز را بگوئیم که پدر ما ابراهیم بحسب جسم یافت؟ زیرا اگر ابراهیم به اعمال عادل شمرده شد، جای فخر دارد اما نه در نزد خدا. زیرا کتاب چه می‌گوید؟ «ابراهیم به خدا ایمان آورد و آن برای او عدالت محسوب شد.» لکن برای کسی که عمل می‌کند، مزدش نه از راه فیض بلکه از راه طلب محسوب می‌شود."

حالا برای اثبات مورد عادل شمردگی بوسیله‌ی ایمان و بدون اعمال شریعت، الگو یا سندی که عرضه می‌کنه، ابراهیمه. او به باب ۱۵ پیدایش برمی‌گرده که ابراهیم وعده‌ی خدا رو می‌شنوه و ایمان میاره. و وقتی بهش ایمان میاره، کتاب مقدس می‌گه ابراهیم به خدا ایمان آورد و آن برای او عدالت محسوب شد.

دوباره، این ایده‌ی حساب کردن یا انتسابه که حالا خدا ابراهیم رو عادل در نظر می‌گیره، در لحظه‌ای که او ایمان و اعتمادش رو بر خدا میذاره، پیش از اینکه ختنه بشه، پیش از اینکه اسحاق رو روی مذبح بذاره، پیش از همه‌ی این چیزهایی که اتفاق میفته. او بوسیله‌ی ایمانی که عطا شده، عادل اعلام میشه.

حالا، دوباره توجه کنید که این به فیض متصله. برای همین در سنت اصلاح یافته، "سولا فیده" به طور جدایی ناپذیر به "سولا گراتیا" مربوطه. عادل شمردگی که ما دریافت می‌کنیم، به وضوح بوسیله‌ی فیضه، و بعد پولس از داوود نقل قول می‌کنه که می‌گه: "خوشا به حال کسانی که خطایای ایشان آمرزیده شد و گناهانشان مستور گردید؛ خوشا به حال کسی که خداوند گناه را به وی محسوب نفرماید." پس خدا گناه ما رو به ما نسبت نمیده، ما که لایق این گناهیم. اونها رو به عیسی نسبت میده و اینجا کل فرایند از پیدایش باب ۳ تا کل کتاب مقدس توسط اصل تحت پوشش قرار دادن، ظاهر شده.

اولین نمونه رحمت خدا برای آدم و حوای سقوط کرده رو یادتونه؛ وقتی که از حضورش فرار کردند، در پی مخفی شدن از او بودند و شرمسار بودند چون متوجه شدند که عریانند، خدا چی کار کرد؟ او لطف کرد و برایشون لباس درست کرد، اونها رو پوشوند؛ شرمشون رو پوشوند.

این نمایش ادامه داره، همونطور که یک لحظه پیش گفتم، در روز کفاره، وقتی خون، روی تخت رحمت رو می پوشوند. دوباره این تصویر اینه که به ما لباس یا ردای عدالت مسیح داده میشه تا عریانی یا لباس کثیف ما رو بیوشونه، در نتیجه تنها عدالتی که برای ایستادن در برابر خدا داریم، تنها عدالتی هست که نیاز داریم؛ و این عدالت عیاست.

حالا در جلسه ی بعدی مون می خوام زمانی رو به صحبت درباره ی نتیجه یا عواقب عادل شمرده شدن برای ما اختصاص بدم و بعد به رابطه ی بین تعلیم پولس درباره ی عادل شمردگی بوسیله ی ایمان، جدا از اعمال و تعلیم یعقوب که ظاهراً متناقض با تعلیم پولس در رومیانه، خواهیم پرداخت. اما در جلسه ی بعدی مون، رسیدگی به عواقب و نتایج عادل شمردگی رو شروع می کنیم.